امام ابوحنیفه
و
علم حدیث

تألیف محمد فضل الله صابری چشتی

مترجم فارسی

ابوجعفر بسم الله «یادگار» بلخی

بسم الله الرحمن الرحيم

شناس‌نامه کتاب

نام کتاب:

امام ابوحنیفه و علم حدیث

مؤلف: محمد فضل‌الله صابری چشتی

مترجم: ابوجعفر بسم‌الله «یادگار» بلخی

حروف‌چيني و برگ‌آرايي: «یادگار» بلخی

قطع و تیراژ: وزیری.

نوبت نشر: نشر اول.

سال نشر: بهار، ۱۴۰۵.

ناشر: ابوجعفر بسم‌الله «یادگار» بلخی

آدرس: ولسوالی دهدادی، ولایت بلخ، افغانستان.

شماره تماس: ۷۹۷۵۶۷۱۲۳ ۹۳ +

Email: bismellahyadgar@gmail.com

اهداء

به جدّ بزرگوارم محی السنة و ماحی البدعة شیخ المشائخ حضرت مولانا رحمت‌الله حنفی نقشبندی بلخی مشهور به ایشان آخوند قدس الله سره العزیز متوفای سال ۱۱۹٤ هجری قمری و استاد مشفق و مهربانم شیخ التفسیر والحدیث ، شیخ الدعوة والتبلیغ والتدریس ، حضرت مولانا شیخ عبدالخالق ”حماس“ حنفی نقشبندی دیوبندی شولگری بلخی متوفای ۱٤٤۲ هجری قمری رحمه‌الله رحمة واسعة دائمًا ابدًا أبدا ،

آمین یا رب العالمین.

فهرست مطالب

موضوعات **صفحه**

امام ابوحنیفه

و علم حدیث

استناد به منابع کهن و نقل اقوال علمای بزرگ حدیث و تاریخ، در مورد سراج الأُمه
ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی متوفای ۱۵۰ هجری قمری

نویسنده: محمد فضل‌الله صابری چشتی

مترجم فارسی

ابوجعفر بسم الله «یادگار» بلخی

مُقدِّمه‌ی مترجم

اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَأَتَمُّ التَّسْلِيْمِ عَلىٰ سَيدِنَا وَسَنَدِنَا وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالله اَكْرَمِ الْبَشَرِ وَعَلىٰ خُلَفَائِهِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيينَ وَعَلىٰ ذُرِيتِهِ وَأَهْلِ بَيتِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ وَسَائِرِ أَصْحَابِهِ الْمَرْضِيِّينَ وَأَوْلِيائِهِ، وَعَلىٰ جَمِيْعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ إِلىٰ يَوْمِ الدِّيْنِ أَمَّا بَعْد:

در جریان مطالعه و بررسی آثار اسلامی در حوزه فقه و رجال، به رساله‌ای به نام «امام اعظم ابوحنیفه اور علم حدیث» تألیف جناب محمد فضل‌الله صابری چشتی، که به زبان اردو نگاشته شده است، دست یافتم.

با توجه به این‌که، این اثر در عین اختصار، از نظر محتوا بسیار مستند به منابع کهن و نقل اقوال علمای بزرگ حدیث و تاریخ، و در ضمن از این‌که اثری قابل‌استفاده و در خور بررسی علمی بود، تصمیم به ترجمه آن به زبان فارسی گرفتم تا امکان بهره‌مندی گسترده‌تر برای خوانندگان فارسی‌زبان فراهم گردد.

در فرآیند ترجمه، سعی و کوشش بر آن داشتم که امانت‌داری علمی به طور کامل رعایت گردد و متن تا حد امکان به صورت دقیق، وفادار به اصل اثر و بدون دخل و تصرف در محتوای نویسنده منتقل شود.

هدف اصلی، ارائه ترجمه‌ای روشن، روان و درعین‌حال دقیق بوده باشد تا مفهوم اصلی اثر بدون کاهش یا تحریف در اختیار مخاطب قرار گیرد.

این ترجمه، با وجود اشتغالات و وقفه‌های متعدد، به لطف و توفیق الهی در مدت کوتاهی به انجام رسید. بدیهی است هرگونه توفیق در این کار از فضل، کرم و عنایت پروردگار متعال بوده و هر نقص و کاستی ناشی از قصور و محدودیت‌های علمی و انسانی بنده حقیر است.

در اخیر از الله جل مجده عاجزانه استدعا دارم این سعی و تلاش فقیر سراپا تقصیر را به درگاه بی‌نیازش از لطف و کرم خویش بپذیرد و آن را برای خوانندگان، مایه فهم صحیح، بصیرت علمی و بهره‌مندی منصفانه قرار دهد و این گنجینه‌ی علمی را برای والدین عزیزم، نیاکان، اساتذه‌ی بزرگوار، مشایخ عظام و به ویژه حضرات علمای دیوبند رحمهم‌الله و جدّ مکّرمم عارف بالله، مُحی‌السُنة و قامِع‌البدعة، فقیه جلیل‌القدر حضرت مولانا رحمت‌الله مشهور به ایشان آخوند قدس الله سره العزیز متوفای ۱۱۹۴ هجری قمری، مدفون در گورستان بُحبُوحَه‌ی ولسوالی دهدادی ولایت بلخ و استاد مُشفق و مهربانم شیخ التفسیر والحدیث، شیخ الدعوة والتبلیغ والتدریس حضرت مولانا شیخ عبدالخالق «حماس» حنفی نقشبندی دیوبندی شولگری بلخی متوفای ۱۴۴۲ هجری قمری رحمه‌الله رحمةً واسعةً دائماً ابداً ابدا صدقه‌ی جاریه قرار دهد، آمین.

وَصَلَّي اللّٰهُ تَعَالٰي عَلٰي خَيرِ خَلِقْهِ سَيدِنَا وَسَنَدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدِ ن الْمُصْطَفيٰ ﷺ وَعَلٰي اٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَأَتْبَاعِهِ أَجْمَعِين.

خادم طلبه‌ی دارالعلوم دیوبند

احقر العباد ابوجعفر بسم‌الله «یادگار» بلخی

بیستم برج میزان ۱۴۰۱ هجری شمسی

مقدمه‌ی مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَالصَّلَوةُ وَالسَّلامُ عَلىٰ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ

اما بعد:

الله جل مجده در قرآن عظیم‌الشأن، در آیات متعدد، به راست‌گویی و یاری‌رسانی با راستان امر فرموده است. از اوراق کتاب‌های رجالی چنین بر می‌آید که در طول یک هزار و چهار صد سال، در هر دَوره از اُمت مسلمه، افراد حسود و شر پسند بر علمای حق، نکته چینی و اعتراض نموده‌اند؛ و در مقابل، شاگردان راستین علمای اهل سنت و الجماعت، پاسخ این اعتراضات را به گونه مفصل و مدلل ارائه کرده‌اند. در کنار این، عوام النّاس نیز همواره با ندای علمای راستین اهل سنت و الجماعت همراه بوده و حق مطلب را آن چنان که شایسته است، ادا نموده‌اند.

امروزه نیز در قرن چهاردهم هجری قمری، گروه شر پسند، فتنه پَرور، متعصب و حسود پدید آمده که با نیش زبان و قلم زهرآگین، بر پیشوای امامان اهل سنت و الجماعت و پیشوای مسلمانان، حضرت امام اعظم و همام افخم، ابوحنیفه رحمه‌الله اعتراض وارد می‌نمایند و این شبهه را در میان مردم با تمام امکانات موجود نشر و پخش می‌کنند که گویا امام الائمه ابوحنیفه رحمه‌الله در علم حدیث ضعیف بوده و مسائل شرعی را بر مبنای قیاس شخصی اخذ نموده و قیاس خویش را بر نصوص شرعی ترجیح می‌داده‌اند.

نکته شگفت‌آور و حیرت‌انگیز این است که این معترضان تا آن حد از علم و دانش تهی‌اند که حتّی از عقاید بنیادی اسلام که از ضروریات دین و از جمله‌ی امور مسلم نزد

هر مؤمن است، نیز آگاهی ندارند؛ با این حال، با جود چنین فقر علمی و عقلی، بر این امام جلیل‌القدر رحمه الله اعتراض نموده و مذهب فقهی آن حضرت را مخالف قرآن و حدیث معرفی می‌کنند.

در این رساله، میزان دسترسی امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله به علم حدیث، با بیانی مختصر و روشن تبیین گردیده است تا خوانندگان گرامی با مطالعه آن، به مقام والای علمی آن امام بزرگوار رحمه الله در علم حدیث آگاهی یافته و در برابر چنین تبلیغات بی‌اساس و عاری از حقیقت این گروه‌های شر پسند و فتنه پَرور، دچار شبهه نگردند و رخنه‌ی به دماغ و غباری به دل راه ندهند و آیینه دل را در مقابل حضرت امام ابوحنیفه رحمه الله صاف نگهدارند.

در پایان، به بارگاه الله جل مجده عاجزانه دعا می‌نمایم که این کاوش را به درگاه بی‌نیازی خویش قبول فرماید و توفیق مطالعه و بهره‌مندی از آن را به همه حق پسندان عنایت فرماید. آمین بجاه النبی الأمین صلی الله علیه وسلم

محمد فضل‌الله صابری چشتی

روز دوشنبه ۱۱ محرم‌الحرام ۱۴۳۴ هجری قمری

مطابق ۲۶ نوامبر ۲۰۱۲ میلادی

امام الائمه سراج الأُمه امام ابوحنیفه رحمه‌الله

ولادت با سعادت امام ابوحنیفه رحمه‌الله:

ولادت با سعادت حضرت امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت رحمه‌الله در شهر کوفه عراق در سال ٨٠ هجری قمری واقع شده است.[١]

لقب و کُنیه امام ابوحنیفه رحمه‌الله:

لقب ایشان در میان علمای اسلام امام اعظم[٢] و کُنیه مبارکشان ابوحنیفه رحمه‌الله می‌باشد. امام ابوحنیفه رحمه‌الله فارسی النسب بوده[٣] و در خانواده‌ای تجارت پیشه دیده به جهان گشودند.[۴]

---

١ – «الامام، فقيه الملة، عالِم العراق ابو حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطي التيمي، الكوفي، مولي بني تيم الله بن ثعلبة، يقال: أنه من ابناء الفرس. ولد سنة ثمانين في حياة صغار الصحابة». «سير أعلام النبلاء»، تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ٣٩١ ج ۶، مؤسسة الرسالة، بيروت ١۴١٧.

٢ – «الامام الاعظم فقيه العراق». «تذكرة الحُفاظ» تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۶٨ ج ١، دارالکتب العلمية، بيروت ١٣٧۴.

٣ – «أنه من ابناء الفرس». «سير أعلام النبلاء»، تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ٣٩١ ج ۶، مؤسسة الرسالة، بيروت ١۴١٧، «ويروي عن إسماعيل بن حماد بن أبي حنيفة قال نحن من أبناء فارس الأحرار». {از اسماعیل بن حماد بن ابی‌حنیفه رحمهم‌الله روایت شده است که گفتند: ما از فرزندان آزادگان فارس هستیم}. «تهذيب التهذيب» تألیف امام عسقلانی رحمه‌الله صـ ٢٢٩ ج ۴، مؤسسة الرسالة، بيروت ١۴١٧.

۴ – «كان خزازا يبيع الخز». «تهذيب التهذيب» تألیف امام عسقلانی رحمه‌الله صـ ٢٢٩ ج ۴، مؤسسة الرسالة، بيروت ١۴١٧.

فیوضات و برکات امام ابوحنیفه رحمه‌الله ثمره‌ی دعای حضرت علی رضی‌الله‌عنه است:

پدر بزرگوارشان، ثابت، در ایام کودکی به محضر حضرت علی کرم الله وجهه خلیفه‌ی چهارم مسلمین شرفیاب گردیده و حضرت سیدنا علی رضی‌الله‌عنه در حق ایشان دعای خیر فرمودند.[۱] در میان اُمت اسلامی این سخن مشهور است که فیوضات و برکات امام اعظم رحمه‌الله ثمره‌ی دعای مبارک حضرت علی رضی‌الله‌عنه است.[۲]

شرف تابعیت امام ابوحنیفه رحمه‌الله:

امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله در میان چهار امام مجتهد اهل سنت و الجماعت رحمهم‌الله، نخستین امام به شمار می‌روند و تنها ایشان به شرف تابعیت نائل گردیدند. امام ابوحنیفه رحمه‌الله با جمعی از صحابه‌ی کرام رضوان‌الله تعالی علیهم اجمعین از جمله: مالک بن انس،[۳]

---

۱ – «ویروي عن إسماعیل بن حماد بن أبي حنیفة قال: وذهب جدي ثابت إلی علي وهو صغیر فدعا له بالبركة فیه وفي ذریته». {از اسماعیل بن حماد بن ابی‌حنیفه رحمهم‌الله روایت شده که گفتند: پدرِ پدربزرگم (ثابت) در کودکی نزد حضرت علی رضی‌الله‌عنه رفتند و آن حضرت رضی‌الله‌عنه برای او و نسل شان دعای برکت نمودند}. «تهذیب التهذیب» تألیف امام عسقلانی رحمه‌الله صـ ۲۲۹ ج ۴، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۷، «الثقات» تألیف امام عجلی رحمه‌الله صـ ۴۵۰ ج ۱، باب: النون.

۲ – «الخیرات الحسان»، تألیف امام ابن حجر هیتمی رحمه‌الله صـ ۲۲، مصر ۱۴۲۴.

۳ – «وَرَأَی: أَنَسَ بنَ مَالِكٍ لَمَّا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الكُوْفَةَ». «سیر أعلام النبلاء»، تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۳۹۱ ج ۶، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۷.

عبدالله بن الحارث، جابر بن عبدالله، معقل بن یاسر، واثله بن اسقع، عایشه بنت عجرد و عبدالله بن انیس رضوان‌الله تعالی علیهم اجمعین[۱] ملاقات نمودند.

واضح است که حصول شرف تابعیت برای یک مسلمان، صرف ملاقات و مصاحبت با صحابی کافی بوده و روایت حدیث از صحابه شرط نیست.[۲] بنابر قول برخی از علما، امام ابوحنیفه رحمه‌الله از هفت صحابی رضی‌الله‌عنهم روایت حدیث نموده‌اند[۳] و به نزد برخی دیگر، این تعداد به ۱۸ نفر صحابی رضی‌الله‌عنهم می‌رسد.

فقاهت امام ابوحنیفه رحمه‌الله:

مذهب فقهی امام اعظم رحمه‌الله در میان مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت و الجماعت رحمهم‌الله بیش‌ترین پیروان را داراست. آن حضرت رحمه‌الله نخستین کسی‌اند که مسائل فقهی را تدوین نموده، به صورت منظم به ابواب و فصول تقسیم کردند و در پرتو آن، به نشر و تبلیغ دین مبین اسلام پرداختند.[۴] این سخن به سند صحیح ثابت است که حضرت

---

۱ – «قال أبوحنيفة لقيت من أصحاب رسول الله سبعة: ۱ – أنس بن مالک، ۲ – عبدالله بن جزء الزبيدى، ۳ – جابر بن عبدالله، ۴ – معقل بن يسار، ۵ – واثلة بن الأسقع، ۶ – عائشة بنت عجرد، رضى الله عنهم». «تبيض الصحيفة» صـ۳۴، دارالكتب العلمية، بيروت ۱۴۱۰.

۲ – «نزهة النظر»، تألیف امام عسقلانی رحمه‌الله صـ۱۴۳، المکتب الوطنی، ریاض ۱۴۲۲.

۳ – «وَذَكَرَ بَعْضُهُمْ أَنَّهُ رَوَى عَنْ سَبْعَةٍ مِنَ الصَّحَابَةِ». «البداية والنهاية»، تألیف امام ابن کثیر رحمه‌الله صـ ۴۱۶ ج ۱۳، دار عالم الکتب، بیروت ۱۴۲۴.

۴ – «أنه أول من دون علم الفقه ورتبه أبوابا وكتبًا على نحو ماهو عليه اليوم وتبعه مالک فی موطئه». {امام ابوحنیفه رحمه‌الله نخستین کسی بود که علم فقه را تدوین کردند و آن را به صورت باب‌ها و کتاب‌ها مرتب

سفیان ثوری رحمه‌الله، امام ابوحنیفه رحمه‌الله را چنین ستوده‌اند: «امام ابوحنیفه در روی زمین از همه‌ی مردم فقیه‌تر است.».[۱]

نقل است که: برادر امام سفیان ثوری رحمه‌الله وفات نمود. هنگامی‌که امام ابوحنیفه رحمه‌الله جهت تعزیت به منزل ایشان تشریف بردند، امام سفیان ثوری رحمه‌الله به احترام امام ابوحنیفه رحمه‌الله از جا برخاستند و فرمودند: «این شخصیت، در مقام علمی در جایگاهی بسیار بلند قرار دارد. اگر به خاطر علمش برنخیزم، به خاطر عمرش برمی‌خیزم و اگر به خاطر عمرش نبود به خاطر تقوایش؛ و اگر به خاطر تقوایش نبود، پس به خاطر فقاهتش (دانایی دینی‌شان) از جا برمی‌خاستم.[۲]

حضرت عبدالله بن مبارک رحمه‌الله فرموده‌اند: امام ابوحنیفه رحمه‌الله در دانش فقهی از همه برتر است و من در مسائل فقهی، هیچ‌کس را از او داناتر و ژرف‌نگرتر ندیده‌ام.[۳]

نمود، همان‌گونه که امروزه رایج است. امام مالک رحمه‌الله در «موطأ» از ایشان رحمه‌الله پیروی نمودند}. «الخیرات الحسان»، تألیف امام ابن حجر هیتمی رحمه‌الله صـ ۳۲، مصر ۱۴۲۴.

۱ – «من عند أبي حنيفة، فيقول: لقد جئت من عند أفقه أهل الأرض». {از نزد فقیه‌ترین مردم روی زمین آمده‌ای}. «تاریخ بغداد»، تألیف علامه خطیب رحمه‌الله صـ ۴۷۱ ج ۱۵، دار الغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۲۲.

۲ – «وما أنكرت من ذاک هذا رجل من العلم بمكان، فإن لم أقم لعلمه قمت لسنه وإن لم أقم لسنة قمت لفقه، وإن لم أقم لفقه قمت لورعه فاحجمني فلم يكن عندي جواب». «تاریخ بغداد»، تألیف علامه خطیب بغدادی رحمه‌الله صـ ۴۶۷ و ۴۶۸ ج ۱۵، دار الغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۲۲.

۳ – «وأما أفقه الناس فأبوحنيفة ثم قال ما رأيت في الفقه مثله». {فقیه‌ترین مردم، ابوحنیفه رحمه‌الله است؛ و من در فقه کسی مانند او ندیده‌ام}. «تاریخ بغداد»، تألیف علامه خطیب بغدادی رحمه‌الله صـ ۴۶۹ ج ۱۵، دار الغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۲۲.

مقام و مرتبه‌ی فقهی ایشان رحمه الله را می‌توان از گفتار امام محمد بن ادریس شافعی رحمه الله به خوبی دریافت، آنجا که در مورد امام ابوحنیفه رحمه الله می‌فرمایند: «همه‌ی مردم در مسائل فقهی محتاج امام ابوحنیفه رحمه الله هستند و من در فقه، داناتر از امام ابوحنیفه رحمه الله کسی را ندیده‌ام.[۱]

در قولی دیگر، امام شافعی رحمه الله می‌فرمایند: مردم در فقه، عیال ابوحنیفه رحمه الله هستند.

امام شمس‌الدین ذهبی رحمه الله پس از نقل این سخن امام شافعی رحمه الله می‌فرمایند: در مسائل فقهی و جزئیات آن، پیشوایی از آنِ امام ابوحنیفه رحمه الله است؛ و این حقیقتی مسلّم و غیرقابل انکار است که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در آن راه ندارد.[۲]

امام سلیمان بن مهران اعمش رحمه الله که در فن حدیث مقام والایی دارند، روزی در مجلس خویش با پرسش‌هایی رو به رو شدند. امام اعمش رحمه الله آن پرسش‌ها را به امام ابوحنیفه رحمه الله مطرح کردند و فرمودند:

شما در این مسائل چی می‌گویید؟

---

۱ – «الشافعي يقول: الناس عيال علي أبي حنيفة في الفقه. الشافعي يقول: ما رأيت أحدا أفقه من أبي حنيفة». {امام شافعی رحمه الله گفتند: مردم در فقه، عیال (نیازمند) ابوحنیفه رحمه الله اند؛ و من کسی را داناتر از او در فقه ندیده‌ام}. «تاريخ بغداد»، تألیف علامه خطیب رحمه الله صـ ۴۷۴ ج ۱۵، دار الغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۲۲.

۲ – «وقال الشافعي: الناس في الفقه عيال على أبي حنيفة. قلت: الامامة في الفقه ودقائقه مسلمة إلى هذا الامام. وهذا أمر لا شك فيه». {امام شافعی رحمه الله گفتند: مردم در فقه عیال ابوحنیفه رحمه الله هستند. امام ذهبی رحمه الله در ادامه گفته‌اند: امامت در فقه و دقایق آن به این امام رحمه الله سپرده شده و این امری قطعی و بدون تردید است}. «سير أعلام النبلاء»، تألیف علامه ذهبی رحمه الله صـ ۴۰۳ ج ۶، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۷.

امام ابوحنیفه رحمه الله به همه‌ی پرسش‌ها پاسخ دادند. امام اعمش رحمه الله شگفت‌زده شده، پرسیدند: این پاسخ‌ها را از کجا به دست آوردید؟

امام ابوحنیفه رحمه الله فرمودند: از همان احادیثی که از شما روایت کرده‌ام. سپس چندین حدیث را با سند امام اعمش رحمه الله بیان نمودند.

امام اعمش رحمه الله گفتند: [همین قدر] برای شما کافی است؛ احادیثی را که من در صد روز روایت کردم، شما در یک ساعت همه را برایم بازگو نمودید درحالی‌که من نمی‌دانستم که شما به آن‌ها عمل می‌کنید.

سپس امام اعمش رحمه الله فرمودند: ای گروه فقیهان! شما طبیبان هستید و ما (محدثان) عطاران (داروفروشان) هستیم.[1]

در روایتی دیگر آمده است که امام اعمش رحمه الله فرمودند: ای ابوحنیفه! تو هر دو را جمع کرده‌ای؛ هم طبیب هستی و هم عطار (یعنی فقیه و هم محدث) هر دو هستی.[2]

این سخن امام اعمش رحمه الله اشاره دارد به اینکه همان‌گونه که عطار (داروفروش) تنها داروها را به فروش عرضه می‌کند و شناخت کامل امراض ندارد، درحالی‌که طبیب علاوه بر شناخت بیماری‌ها، راه درمان آن‌ها را نیز می‌داند، به همین‌گونه برخی محدثان

---

۱ – «قال الأعمش: أنتم يا معشر الفقهاء الأطباء ونحن الصيادلة». {امام اعمش رحمه الله گفتند: ای گروه فقها! شما طبیبان هستید و ما داروفروشان}. «الثقات»، تألیف امام ابن حبان بُستی رحمه الله صـ ۴۶۷ ج ۶، دائرةالمعارف، الهند ۱۳۹۳.

۲ – «قال الأعمش: وأنت أيها الرجل أخذت بكلا الطرفين». {امام اعمش رحمه الله گفتند: ای مرد! تو هر دو طرف را گرفته‌ای (هم فقیه هستی و هم محدث)}. «الخیرات الحسان»، تألیف امام ابن حجر هیتمی رحمه الله صـ ۶۹، مصر ۱۳۲۴.

تنها به نقل احادیث می‌پردازند، امّا فقها توانایی استخراج احکام و مسائل را از آن احادیث دارند.

مجتهد به کی گفته می‌شود؟

بدیهی است که رسیدن به مقام اجتهاد، بدون مهارت کامل در علم حدیث ممکن نیست و وسعت علمی یک فقیه از چنین شواهدی به خوبی دانسته می‌شود.

امام عبیدالله بن منادی رحمه الله شاگرد امام احمد بن حنبل رحمه الله روایت می‌کند که شخصی از امام احمد بن حنبل رحمه الله پرسید: آیا کسی که صد هزار احادیث را حفظ دارد، فقیه به شما می‌رود؟

امام احمد رحمه الله فرمودند: نه.

باز پرسید: دو صد هزار احادیث؟

امام احمد رحمه الله گفتند: نه.

باز پرسید: سه صد هزار احادیث؟

امام رحمه الله در جواب گفتند: نه.

سائل باز از امام احمد رحمه الله پرسید: چهار صد هزار احادیث؟

امام احمد رحمه الله با اشاره‌ی دست فرمودند: بلی.[1]

---

۱ – «وقد سمع رجلاً يسالا إذا حفظ الرجل مائة الف حديث يكون فقيها؟ قال: لا. قال: فمائتي الف؟ قال: لا. قال: فثلاثمائة؟ قال: فأربعمائة الف؟ قال: بيده هكذا وحركها». {شنیدم کسی از امام احمد بن حنبل رحمه الله پرسید: اگر کسی صد هزار حدیث حفظ داشته باشد، فقیه می‌شود؟ گفتند: نه... تا اینکه گفت: چهارصد

فضیلت فقیه بر محدث:

در بیان فضیلت فقیه بر محدث، در حدیثی سنن ابو داود چنین آمده است: از حضرت زید بن ثابت رضی‌الله‌عنه روایت‌شده که رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: الله جل مجده آن شخص را شاد و خُرم گرداند که سخنی از ما بشنود، آن را حفظ کند و سپس تمام و کمال (بدون کم و کاست) به دیگران که آن را نشنیده‌اند برساند؛ چه بسا کسی که حدیث را از ناقل می‌شنود از او فقیه‌تر باشد و چه بسا حامل حدیث خود فقیه نباشد.[1]

از حدیث فوق به روشنی معلوم گردید که برخی افراد تنها راوی حدیث‌اند؛ اما توان استخراج احکام فقهی از آن را ندارند.

امام ابوحنیفه رحمه‌الله مجتهد مطلق بودند:

امام ابوحنیفه رحمه‌الله در مقام مجتهد مطلق قرار داشته و توانایی کامل در استنباط احکام از نصوص شرعی را دارا بودند. ایشان رحمه‌الله نه‌تنها حافظ صدها هزار احادیث بودند، بلکه از اکثر آن‌ها مسائل فقهی را نیز استخراج و استنباط کرده‌اند.

هزار؟ امام با دست اشاره کرد (یعنی آری)}. «اعلام المؤقعین»، تألیف امام ابن قیم الجوزیة رحمه‌الله صـ ۱۱۵ ج ۶، دار ابن الجوزیة، السعودیة العربیة، ۱۴۲۳.

۱ - «نَضَّرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا فَحَفِظَهُ حَتَّى يُبَلِّغَهُ فَرُبَّ حَامِلِ فِقْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ وَرُبَّ حَامِلِ فِقْهٍ لَيْسَ بِفَقِيهٍ». {خداوند چهره آن کسی را نورانی و شاداب گرداند که سخنی از ما بشنود و آن را حفظ کند و به دیگران برساند؛ چه بسا حامل فقه که آن را به کسی می‌رساند که از او فقیه‌تر است، و چه بسا حامل فقه که خود فقیه نیست}. «سُنن أبو داود»، کتاب العلم، باب فضل نشر العلم، حدیث ۳۶۶۰، دار ابن حزم، بیروت ۱۴۱۸.

در تأیید این معنا، سخن امام اعمش رحمه الله که پیش‌تر ذکر شد قابل توجه است؛ همچنین دیدگاه یکی دیگر از ماهران بزرگ فن حدیث، حضرت امام ترمذی رحمه الله نیز قابل‌ذکر است که می‌فرمایند: فقها معنای حدیث را بهتر و خوب‌تر از دیگران می‌دانند.[۱]

بنابراین، چون امام ابوحنیفه رحمه الله مجتهد مطلق بوده‌اند، از این‌رو در دانش حدیثی ایشان، کدام سؤالی باقی نمی‌ماند و اصلاً نقص و اشکالی متصور نیست؛ زیرا به خاطر مجتهد مطلق بودن، مهارت در فن حدیث از شرایط لازمی و ضروری است و اجتهاد مطلق بدون مهارت کامل در علم حدیث ممکن نیست.

تعداد صحابه رضي الله عنهم در شهر کوفه:

نکته قابل تدبر و تفکر این است که در زمان پیدایش حضرت امام حنیفه رحمه الله شهر کوفه به عنوان مرکز بزرگ علم و حدیث مشهور و معروف بود؛ و بسیاری از اصحاب پیامبر صلى الله عليه وسلم در شهر کوفه اقامت گزین بودند؛ چنانکه تابعی مشهور حضرت قتاده بن دعامه متوفای ۱۷۰ هجری قمری رحمه الله می‌فرمایند: در شهر کوفه حدود ۱۰۵۰ نفر از اصحاب نبی کریم صلى الله عليه وسلم اقامت داشتند که در میان آن‌ها ۲۴ صحابه بدری رضي الله عنهم نیز موجود بود[۲] و احادیثی که از آن صحابه بزرگوار رضي الله عنهم روایت شده بود، از طریق اساتید و سلسله‌های علمی مختلف به امام ابوحنیفه رحمه الله رسیده است. از این‌رو، این سخن اصلاً قابل پذیرش نیست که امام

---

۱ – «الفُقَهَاءُ وَهُمْ أَعْلَمُ بِمَعَانِي الحَدِيثِ». {فقها به معانی حدیث داناترند}. «الجامع الترمذی»، کتاب الجنائز، باب ما جاء فی غُسل المیت، حدیث ۹۹۰، مصطفی الباب الحلبی، مصر ۱۳۹۸.

۲ – «وَقَالَ قَتَادَةُ: نَزَلَ الْكُوفَةَ مِنَ الصَّحَابَةِ أَلْفٌ وَخَمْسُونَ؛ مِنْهُمْ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ بَدْرِيُّونَ». {قتاده رحمه الله گفتند: از صحابه رضي الله عنهم ۱۰۵۰ نفر در کوفه ساکن شدند که از میان آنان ۲۴ نفر از اهل بدر بودند}. «فتح المغیث بشرح ألفیة الحدیث»، تألیف امام سخاوی رحمه الله صـ ۱۱۱ ج ۴، مکتبة السنة، مصر ۱۴۲۴.

ابوحنیفه : در مرکز علم و حدیث (یعنی شهر کوفه) پرورش یابد، اما از علم حدیث بی‌بهره باشد و مهارتی در فن علم حدیث نداشته باشد.

سفرهای امام ابوحنیفه رحمه‌الله جهت تحصیل علوم:

از علمای معتبر و ماهران فن حدیث نقل شده است که امام ابوحنیفه رحمه‌الله برای تحصیل بیشتر علم حدیث، سفرهای دور و دراز به اکثر بلاد نموده‌اند؛ چنانچه امام ذهبی رحمه‌الله می‌نویسند: امام ابوحنیفه رحمه‌الله به خاطر تحصیل علم حدیث بعد از سال ۱۰۰ هجری قمری سفرهای خویش را آغاز نمودند.[۱]

دیگران از رسیدن به جایگاه علمی امام ابوحنیفه رحمه‌الله عاجز بودند:

امام سمعانی رحمه‌الله متوفای ۵۶۲ هجری قمری که ماهران و بزرگان فن علم حدیث و تاریخ‌اند و شخصیت علمی ایشان بر اربابان علم و دانش محتاج تعارف نیست، می‌فرمایند: هنگامی‌که امام ابوحنیفه رحمه‌الله به طلب علم مشغول شد، به جایگاهی رسید که هیچ یکی به آنجا نرسیده بود. یعنی در فهم و استخراج مسائل فقهی به مقامی رسید که دیگران از رسیدن به آن مقام عاجز بودند.[۲]

---

۱ - «فَإِنَّ الإِمَامَ أَبَا حَنِيْفَةَ طَلَبَ الحَدِيْثَ، وَأَكْثَرَ مِنْهُ فِي سَنَةِ مائَةٍ وَبَعدَهَا». {امام ابوحنیفه رحمه‌الله از سال ۱۰۰ هجری به بعد، به‌طور گسترده به طلب حدیث پرداختند}. «سير أعلام النبلاء»، تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۳۹۶ ج ۶، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۷.

۲ - «واشتغل بطلب العلم وبالغ فيه حتى حصل له ما لم يحصل لغيره». {امام ابوحنیفه رحمه‌الله به طلب علم پرداخت و در آن به حدی کوشید که به مقامی رسید که دیگران به آن نرسیدند}. «الانساب»، تألیف امام سمعانی رحمه‌الله صـ ۶۷ ج ۶، مكتبة ابن تيمية، قاهرة ۱۴۱۷.

تعداد شیوخ امام ابوحنیفه رحمه الله:

امام ابوالمؤید الموفق بن احمد بن محمد المکی الخوارزمی متوفای سال ۵۶۸ هجری قمری رحمه الله نقل می‌کنند که امام ابوحنیفه رحمه الله از چهار هزار شیوخ رحمهم‌الله علم حاصل کرده‌اند و از علوم آنان بهره‌مند شده‌اند.

امام خوارزمی رحمه الله از جمله چهار هزار شیوخ، نام‌های تعداد ۲۴۶ تن مشایخ رحمهم‌الله را ذکر کرده است.[۱] در میان آنان، یکی از مشایخ برجسته امام ابوحنیفه رحمه الله، حضرت امام شعبی رحمه الله متوفای سال ۱۰۴ هجری قمری است.

امام شعبی رحمه الله حدود ۵۰۰ نفر از صحابه کرام رضوان‌الله تعالی علیهم اجمعین را ملاقات کرده[۲] و از نزد ۱۵۰ نفر آنان حدیث روایت نموده است[۳] و ایشان رحمه الله یکی از جمله‌ی مشایخ کبار امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله به شمار می‌روند.[۴]

---

۱ – «مناقب الامام الاعظم»، تألیف امام خوارزمی رحمه الله صـ ۶۷ تا ۸۸ ج ۱، دائرةالمعارف، الهند ۱۳۲۱.

۲ – «شعبة عن منصور بن عبد الرحمن عن الشعبي قال: أدركت خمسمائة من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله وسلم». {امام شعبی رحمه الله گفتند: من پانصد نفر از صحابه پیامبر ﷺ را درک کرده‌ام}. «تذکرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۸۱ ج ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

۳ – «روى عن خمسين ومائة أصحاب رسول الله صلي الله عليه وسلم». {او از ۱۵۰ نفر از صحابه روایت کرده است}. «الانساب»، تألیف امام سمعانی رحمه الله، مکتبة ابن تیمیة، قاهرة ۱۴۱۷.

۴ – «وهو أكبر شيخ لأبي حنيفة». {او (امام شعبی رحمه الله) بزرگ‌ترین استاد ابوحنیفه رحمه الله بود}. «تذکرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۷۹ ج ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

اکنون غور کنید که اگر وسعت و نبوغ علمی یکی از استادان امام ابوحنیفه رحمه الله تا این حد بلند بوده باشد، پس ایشان از مجموع چهار هزار شیوخ‌شان تا چه اندازه احادیث را فراگرفته‌اند.

منزل امام ابوحنیفه رحمه الله مخزن کتاب‌های حدیث:

امام یعقوب الحارثی متوفای سال ۳۴۰ هجری قمری رحمه الله روایت کرده است که یحیی بن نصر بن حاجب رحمه الله گفته‌اند: من نزد امام ابوحنیفه رحمه الله وارد شدم، درحالی‌که خانه‌ی ایشان پُر از کتاب بود. از ایشان در باره‌ی کتاب‌ها پرسیدم.

ایشان رحمه الله در جواب فرمودند: این‌ها همه کتاب‌های حدیث است و من تنها بخشی از آن‌ها را که سودمند بوده، بیان کرده‌ام.[1]

فقط امام ابوحنیفه رحمه الله شایسته صدور فتوا بر آرای شخصی بودند:

عبدالله بن مبارک رحمه الله شاگرد رشید امام ابوحنیفه رحمه الله که از ماهران فن حدیث به شمار می‌روند و از امام ابوحنیفه رحمه الله روایت حدیث کرده‌اند،[2] و این سخن به سند صحیح

---

۱ – «دخلت علي أبي حنيفة، في بيت مملوء كُتُبًا فقلتُ: ما هذا؟ قال: هذه أحاديث كُلها، وما حدثت به الا اليسير الذي ينتفعُ به». {بر ابوحنیفه رحمه الله وارد شدم در حالی که خانه‌اش پُر از کتاب بود. پرسیدم: این‌ها چیست؟ گفت: این‌ها همه حدیث است و من فقط مقدار کمی از آن را که مفید است نقل کرده‌ام}. «مسند أبی حنیفة»، تألیف امام یعقوب الحارثی رحمه الله صـ ۲۷۶، روایت ۸۰۵، دار الکتب العلمیة، بیروت ۱۴۲۹.

۲ – «مصنف»، تألیف امام ابن ابی شیبة رحمه الله صـ ۵۷۴ ج ۷ حدیث ۱۲۵۳۲ «حَدَّثَنَا ابْنُ مُبَارَكٍ، عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ فِي الْمُظَاهِرِ جَامَعَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ، أَوِ النَّهَارِ، قَالَ: يَسْتَقْبِلُ الصَّوْمَ» و ایضاً صـ ۳۴۲ ج ۱۴ حدیث ۲۸۶۱۱ «حَدَّثَنَا ابْنُ مُبَارَكٍ، عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ، عَن حَمَّادٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: لاَ يَكُونُ التَّغْلِيظُ فِي شَيْءٍ مِنَ الدِّيَةِ، إِلاَّ فِي الإِبِلِ، وَالتَّغْلِيظُ فِي إِنَاثِ الإِبِلِ»، دار قرطبة، بیروت ۱۴۲۷.

از ایشان ثابت است که فرموده‌اند: اگر کسی را شایسته باشد که بر اساس نظر خود فتوا دهد، پس بدون شک و شبهه آن شخص امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله است.[۱]

امام ابوحنیفه رحمه‌الله از همه‌ی معاصران شان پیشی گرفته بودند:

امام عبدالرحمن خلاد الرامهرمزی متوفای سال ۳۶۰ هجری قمری رحمه‌الله در کتاب خویش «المحدث الفاصل بین الراوی والواعی» که در فن حدیث نگاشته شده و از کتاب‌های طراز اول این فن است، می‌فرمایند: هرگاه میان امام شعبه و امام سفیان ثوری رحمهماالله در باره‌ی حدیثی اختلاف علمی پیش می‌آمد، هر دو می‌گفتند: ما را نزد امام مسعر بن کدام رحمه‌الله ببرید؛ زیرا ایشان در فن حدیث، میزان (ترازوی علم حدیث) است.[۲]

امام شعبه بن حجاج و امام سفیان ثوری رحمهماالله، هر دو از پیشوایان بزرگ و ماهران فن حدیث بودند، و هنگامی که در میان آنان در رابطه به حدیث، اختلاف علمی رخ می‌داد، برای داوری و فیصله نهایی به امام مسعر بن کدام رحمه‌الله مراجعه می‌کردند. از این امر، جایگاه والای علمی امام مسعر بن کدام رحمه‌الله به خوبی دانسته می‌شود.

---

۱ – «سمعت عبد الرزاق يقول: سمعت ابن المبارك يقول: إن كان أحد ينبغي له أن يقول برأيه، فأبو حنيفة ينبغي له أن يقول برأيه». {امام عبدالرزاق رحمه‌الله گفتند: از ابن مبارک رحمه‌الله شنیدم که گفتند: اگر کسی شایسته باشد به رأی خود فتوا دهد، آن شخص امام ابوحنیفه رحمه‌الله است}. «تاریخ بغداد»، تألیف علامه خطیب بغدادی رحمه‌الله صـ ۴۷۱ ج ۱۵، دار الغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۲۲.

۲ – «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الْغَزَّاءُ قَالَ: سَمِعْتُ إِبْرَاهِيمَ بْنَ سَعِيدٍ الْجَوْهَرِيَّ يَقُولُ: كَانَ شُعْبَةُ وَسُفْيَانُ إِذَا اخْتَلَفَا قَالَا: اذْهَبَا بِنَا إِلَى الْمِيزَانِ مِسْعَرٍ». {هرگاه امام شعبه و سفیان ثوری رحمهماالله اختلاف می‌کردند، می‌گفتند: ما را نزد میزان (داور علمی) یعنی مسعر بن کدام رحمه‌الله ببرید}. «المحدث الفاصل بین الراوی والواعی» صـ ۳۹۵، روایت ۴۰۲، دارالفکر، بیروت ۱۳۹۱.

اکنون به این روایت امام مسعر بن کدام رحمه الله با آن مقام بلند علمی توجه کنید که در آن، عظمت، مقام بُلند و شامخ علمی امام ابوحنیفه رحمه الله در فن حدیث به وضوح بیان گردیده است.

امام مسعر بن کدام رحمه الله می‌فرمایند: ما همراه با امام ابوحنیفه رحمه الله به تحصیل علم حدیث آغاز کردیم، و ایشان بر ما برتری یافت و غالب گردید. هنگامی‌که به زهد و پرهیزگاری پرداختیم، در آن عرصه نیز از همه پیشی گرفتند؛ و زمانی که به تحصیل علم فقه روی آوردیم، شما همه خود می‌بینید که کمالات و نبوغ علمی ایشان در این علم تا چه اندازه است و چگونه در این فن، استعداد و توانایی خویش را به نمایش گذاشته‌اند.[۱]

امام شعبه بن حجاج رحمه الله که در فن جرح و تعدیل از علمای بزرگ و ممتاز است و نزد اهل علم و دانش، محتاج تعارف و شناسایی نیست. ایشان از امام ابوحنیفه رحمه الله به نیکویی یاد می‌کردند؛ چنانکه علامه ابن عبدالبر مالکی رحمه الله با سند خویش نقل کرده است: شعبه بن حجاج رحمه الله در باره‌ی امام ابوحنیفه رحمه الله نظر نیکو داشتند.[۲]

از مجموع روایات امام مسعر بن کدام و شعبه بن حجاج رحمهماالله این حقیقت همچون آفتاب نیمه‌ی روز روشن گردید که امام ابوحنیفه رحمه الله نه‌تنها در فن و علم حدیث

---

۱ – «أَبُو يَحْيَى بْنُ أَبِي مَيْسَرَةَ، ثَنَا خَلادُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: قَالَ مِسْعَرُ بْنُ كِدَامٍ: طَلَبْتُ مَعَ أَبِي حَنِيفَةَ الْحَدِيثَ، فَغَلَبَنَا وَأَخَذْنَا فِي الزُّهْدِ، فَبَرَعَ عَلَيْنَا وَطَلَبْنَا مَعَهُ الْفِقْهَ، فَجَاءَ مِنْهُ مَا تَرَوْنَ». {مسعر بن کدام رحمه الله گفتند: ما همراه امام ابوحنیفه رحمه الله به طلب حدیث پرداختیم، او بر ما پیشی گرفت؛ سپس به زهد پرداختیم، در آن هم بر ما برتری یافت؛ و وقتی به فقه پرداختیم، نتیجه آن همان است که می‌بینید}. «مناقب الامام أبی حنیفة وصاحبیه»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۴۳، جنة احیاء المعارف النعمانیة، الهند ۱۳۶۶.

۲ – «شَبَابَةَ بْنَ سَوَّارٍ يَقُولُ: كَانَ شُعْبَةُ حَسَنَ الرَّأْيِ فِي أَبِي حَنِيفَةَ». {امام شعبه رحمه الله نظر خوبی درباره امام ابوحنیفه رحمه الله داشتند}. «الانتقاء فی فضائل الثلاثة الائمة الفقهاء»، تألیف امام ابن عبدالبر رحمه الله صـ ۱۹۶، دارالبشائر الاسلامیة، بیروت ۱۴۱۷.

امام بودند، بلکه روای ثقه نیز به شمار می‌رفتند. راوی معتبری که روایت آن در بین ائمه حدیث شرف قبولیت را حاصل می‌کند، به آن راوی ثقه (مورد اعتماد) گفته می‌شود.

گواهی پیشوایان، بر برتری و دانش امام ابوحنیفه رحمه‌الله:

امام مکی بن ابراهیم بلخی متوفای سال ۲۱۴ هجری قمری رحمه‌الله از بزرگان و ماهران فن حدیث و از شاگردان ممتاز امام ابوحنیفه رحمه‌الله و از استادان بزرگ و برجسته‌ی امام محمد بن اسماعیل بخاری رحمه‌الله هستند. ایشان نه‌تنها از امام ابوحنیفه رحمه‌الله روایت حدیث کرده‌اند، بلکه از تعریف و توصیف‌کنندگان امام ابوحنیفه رحمه‌الله نیز بوده‌اند؛ چنانکه در مورد امام اعظم رحمه‌الله فرموده‌اند: ایشان در زمان خویش، از همه‌ی معاصران، بزرگ‌ترین عالم بودند.[1]

---

۱ – «قال النخعي: حدثنا إسماعيل بن محمد الفارسي قال: سمعت مكي بن إبراهيم ذكر أبا حنيفة فقال: كان أعلم أهل زمانه». {امام مکی بن ابراهیم رحمه‌الله گفتند: امام ابوحنیفه رحمه‌الله داناترین مردم زمان خود بود}. «تاریخ بغداد»، تألیف علامه خطیب بغدادی رحمه‌الله صـ ۴۷۳ ج ۱۵، دار الغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۲۲ و «تهذیب الکمال فی أسماء الرجال»، تألیف امام ابو الحجاج یوسف بن عبدالرحمن المزی رحمه‌الله صـ ۴۳۳ ج ۲۹، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۰۰.

امام مِزّی رحمه‌الله نقل کرده‌اند که امام صالح بن محمد رحمه‌الله گفته‌اند: من از امام یحیی بن معین رحمه‌الله شنیدم که می‌گفتند: امام ابوحنیفه رحمه‌الله ثقه (مورد اعتماد) است[1] و حدیثی را که در حفظ شان نمی‌بود، روایت نمی‌کردند.[2]

امام ذهبی رحمه‌الله می‌نویسند: در زمان صحابه رضی‌الله‌عنهم، تابعین، اوزاعی، سفیان ثوری، مالک، ابوحنیفه، ابن أبی ذئب و شعبه رحمهم‌الله منطق و فلسفه جزو علوم به شمار نمی‌رفت؛ بلکه در آن دوران، علوم قرآن و حدیث محور علم محسوب می‌شد.[3]

---

۱ – «قَال صالح بن مُحَمَّد الأسدي الحافظ: سمعت يَحْيَى بن مَعِين يَقُولُ: كَانَ أَبُو حنيفة ثقة فِي الحديث». {امام جرح و تعدیل حضرت یحیی بن معین رحمه‌الله گفتند: امام ابوحنیفه رحمه‌الله در حدیث، ثقه (مورد اعتماد) است}. «تهذیب الکمال»، تألیف امام ابو الحجاج مزی رحمه‌الله صـ ۴۲۴ ج ۲۹، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۰۰.

۲ – «قَال مُحَمَّد بن سعد العوفي: سمعت يَحْيَى بن مَعِين يَقُولُ: كَانَ أَبُو حنيفة ثقة لا يحدث بالحديث إلا بما يحفظه، ولا يحدث بما لا يحفظ». {امام ابوحنیفه رحمه‌الله فقط احادیثی را روایت می‌کردند که حفظ داشتند و آنچه را حفظ نداشتند، روایت نمی‌کردند}. «تهذیب الکمال»، صـ ۴۲۴ ج ۲۹، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۰۰.

۳ – «بعلم المنطق والجدل وحكمة الأوائل التي تسلب الإيمان وتورث الشكوك والحيرة التي لم تكن والله من علم الصحابة ولا التابعين ولا من علم الأوزاعي والثوري ومالك وأبي حنيفة وابن أبي ذئب وشعبة ولا والله عرفها ابن المبارك ولا أبو يوسف القائل من طلب الدين بالكلام تزندق ولا وكيع ولا بن مهدي ولا بن وهب ولا الشافعي ولا عفان ولا أبو عبيد ولا ابن المديني وأحمد وأبو ثور والمزني والبخاري والأثرم ومسلم والنسائي وابن خزيمة وابن سريج وابن المنذر وأمثالهم بل كانت علومهم القرآن والحديث والفقه والنحو وشبه ذلك نعم». {علوم منطق و فلسفه از علوم صحابه و تابعین نبود؛ بلکه علوم آنان قرآن، حدیث و فقه بود}. «تذکرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۲۰۵ ج ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

علم امام ابوحنیفه رحمه‌الله علم قرآن و حدیث بود:

از این سخن امام ذهبی رحمه‌الله روشن می‌گردد که مقصود امام مکی بن ابراهیم بلخی رحمه‌الله، از بزرگی و برتری علمی امام ابوحنیفه رحمه‌الله در زمانه‌ی شان، برتری در علوم قرآن و حدیث بوده است.

علی بن مدینی متوفای سال ٢٣۵ هجری قمری رحمه‌الله روایت کرده‌اند: سفیان ثوری، عبدالله بن مبارک، حمّاد بن زید، هشیم، وکیع بن جرّاح، عباد بن عوام و جعفر بن عون رحمهم‌الله همگی از امام ابوحنیفه رحمه‌الله روایت حدیث کرده‌اند و ایشان رحمه‌الله راوی ثقه (مورد اعتماد) است.[١]

گواهی ۶٧ تن علمای کبار بر بزرگی امام ابوحنیفه رحمه‌الله :

علامه ابن عبدالبر مالکی متوفای سال ۴۶٣ هجری قمری رحمه‌الله در حوزه‌ی حدیث و فقه، نام ۶٧ نفر از علمای کبار رحمهم‌الله را ذکر کرده و سپس نوشته است: همه‌ی این ۶٧ تن علمای بزرگ فوق‌الذکر،امام ابوحنیفه رحمه‌الله را با الفاظ نیکو ستوده و از ایشان تمجید نموده‌اند.[٢]

---

١ – «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْمَدِينِيِّ: أَبُو حَنِيفَةَ رَوَى عَنْهُ الثَّوْرِيُّ، وَابْنُ الْمُبَارَكِ، وَحَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، وَهُشَيْمٌ، وَوَكِيعُ بْنُ الْجَرَّاحِ، وَعَبَّادُ بْنُ الْعَوَّامِ، وَجَعْفَرُ بْنُ عَوْنٍ، وَهُوَ ثِقَةٌ لَا بَأْسَ بِهِ». {امام علی بن مدینی رحمه‌الله گفتند: سفیان ثوری، ابن مبارک، حماد بن زید و دیگران رحمهم‌الله از امام ابوحنیفه رحمه‌الله روایت کرده‌اند و ایشان رحمه‌الله ثقه هستند}. «جامع بیان العلم وفضله»، تألیف امام ابن عبدالبر مالکی رحمه‌الله صـ ١٠٨٣، روایت ٢١١٢، دار ابن الجوزی، سعودی عرب ١۴١۴.

٢ – «الانتقاء فی فضائل الثلاثة الائمة الفقهاء»، تألیف امام ابن عبدالبر رحمه‌الله صـ ١٩٣ تا ٢٢٩، دارالبشائر الاسلامیة، بیروت ١۴١٧.

امام ابوحنیفه رحمه الله پیشوای محدثین رحمهم‌الله:

امام ابو داود سجستانی متوفای سال ۲۷۵ هجری قمری، صاحب سنن ابو داود رحمه الله که در فن حدیث به مرتبه‌ی حجّت رسیده بودند، می‌فرمایند: الله جل مجده بر امام مالک رحم فرماید که او امام بود، الله جل مجده بر امام شافعی رحم فرماید که او امام بود؛ و الله جل مجده بر امام ابوحنیفه رحم فرماید که او امام بود.[۱]

به دقت غور نمایید که شخصیت بزرگی و ماهر فن در علم حدیث مانند امام ابو داود رحمه الله، امام ابوحنیفه رحمه الله را امام (پیشوا) می‌داند؛ امّا متأسفانه در روزگار ما، برخی افراد نادان و بی‌بهره از علم، نه تنها امامت ایشان را نمی‌پذیرند، بلکه در شأن امام ابوحنیفه رحمه الله الفاظ ناپسند به کار می‌برند و آخرت خویش را تباه می‌کنند. اعوذ بالله أن اکون من الجاهلین

امام النقاد، علامه ذهبی رحمه الله که در میان اُمت اسلامی در فن حدیث و جرح و تعدیل، جایگاهی رفیع و والایی دارند و سخن ایشان در این فن، حرف آخر، حجت و فصل الخطاب است. ایشان در پذیرش راویان شرایطی بسیار سخت‌گیرانه وضع کرده است؛ که این امر بر اربابان علم و دانش پوشیده نیست. همین امام ذهبی رحمه الله با وجود این شیوه و شرایط سخت‌گیرانه در قبولیت راویان حدیث، نه‌تنها امام ابوحنیفه رحمه الله را توثیق و ستایش کرده، بلکه کتابی مستقل نیز در مناقب امام ابوحنیفه رحمه الله به رشته‌ی تحریر آورده‌اند که این خود بر عظمت و بزرگی و مقام والایی امام ابوحنیفه رحمه الله دلالت می‌کند.

---

۱ – «حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ قَالَ: ثنا ابْنُ رَحْمُونَ قَالَ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ بَكْرِ بْنِ دَاسَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبَا دَاوُدَ سُلَيْمَانَ بْنَ الْأَشْعَثِ السِّجِسْتَانِيَّ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ مَالِكًا كَانَ إِمَامًا، رَحِمَ اللَّهُ الشَّافِعِيَّ كَانَ إِمَامًا، رَحِمَ اللَّهُ أَبَا حَنِيفَةَ كَانَ إِمَامًا». «الانتقاء فی فضائل الثلاثة الائمة الفقهاء»، تألیف امام ابن عبدالبر مالکی رحمه الله صـ ۳۲، دارالبشائر الاسلامیة، بیروت ۱۴۱۷ و «جامع بیان العلم وفضله»، تألیف امام ابن عبدالبر مالکی رحمه الله، روایت ۲۱۹۶، دار ابن الجوزی، سعودی عرب ۱۴۱۴.

امام ابوحنیفه رحمه الله از جمله‌ی حفاظ حدیث بودند:

امام ذهبی رحمه الله که از شاگردان ممتاز علامه ابن تیمیه رحمه الله به شمار می‌رود، در کتاب مشهور خویش «تذکره الحفاظ» نام امام ابوحنیفه رحمه الله را ذکر کرده و در مقدمه‌ی این کتاب چنین تحریر فرموده است: در این کتاب، نام‌های کسانی از حاملان حدیث نبوی درج گردیده که به توثیق و تضعیف رجال، تصحیح و تضعیف احادیث، به اجتهاد و نظر آنان رجوع می‌شود.[1]

علامه ذهبی رحمه الله در باره‌ی خارجه بن زید رحمه الله می‌نویسند: جایگاه ایشان در فقه بلند است؛ امّا ایشان قلیل الحدیث است (یعنی احادیث اندکی دارد). از این‌رو او را در شمار حفاظ حدیث نیاورده‌ام.[2] همچنین کسانی را که حافظ حدیث بوده؛ امّا مورد اعتماد نبوده‌اند، ذکر نکرده‌اند؛ چنانکه در باره‌ی هشام بن محمد کلبی رحمه الله می‌فرمایند: او حافظ

---

۱ - «هذه تذكرة بأسماء معدلي حملة العلم النبوي ومن يرجع إلى اجتهادهم في التوثيق والتضعيف والتصحيح والتزييف وبالله اعتصم وعليه اعتمد وإليه أنيب». {این کتاب، یادآوری نام کسانی است که در علم حدیث مورد اعتمادند و در توثیق و تضعیف به آنان رجوع می‌شود}. «تذكرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۱ ج ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

۲ - «خارجة بن زيد بن ثابت الأنصاري المدني: أحد الفقهاء من كبار العلماء الا انه قليل الحديث فلهذا لم أذكره في الحفاظ رحمه الله تعالى». {امام خارجه بن زید بن ثابت انصاری مدنی رحمه الله فقیه بزرگی بود، اما چون حدیث کمی داشت، او را در حافظان حدیث ذکر نکردم}. «تذكرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۱ ج ۹۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

حدیث بود، امّا راوی متروک و غیرثقه است. از این‌رو من او را در شمار حفاظ حدیث ذکر نکرده‌ام.[۱]

از این دو مثال فوق‌الذکر واضح گردید که امام ذهبی رحمه الله در کتاب «تذکرة الحفاظ» تنها راویان را ذکر کرده‌اند که نه‌تنها حافظ حدیث، بلکه مورد اعتماد نیز بوده‌اند.

امام ذهبی رحمه الله در همین کتاب امام ابوحنیفه رحمه الله را با لقب امام اعظم یاد کرده[۲] و امام ابوحنیفه رحمه الله و استادانشان را در چندین صفحه، با الفاظ تعظیمی والا و زیبا ذکر کرده‌اند.

با این حال، حیرت‌آور است که امروزه برخی افراد متعصب و بی مذهب، امامت ابوحنیفه رحمه الله را انکار کرده و حتی استعمال لقب «امام اعظم» را نیز جایز نمی‌دانند؛ درحالی‌که این لقب، بیش از هزار سال است که از سوی علمای بزرگ امت، به ویژه امام ذهبی رحمه‌الله، به کار رفته است. پس اعتراض این افراد، در حقیقت متوجه همه‌ی علمای سلف علی‌الخصوص به امام ذهبی رحمه الله وارد می‌گردد. فافهموا یا اولی الالباب

علم در محور امام ابوحنیفه رحمه الله می‌چرخد:

امام شافعی رحمه الله می‌فرمایند: علم در محور سه تن می‌چرخد: مالک بن انس، لیث بن سعد و سفیان بن عیینه رحمهم‌الله.

---

۱ – «هشام بن الكلبي الحافظ: أحد المتروكين ليس بثقة فلهذا لم أدخله بين حفاظ الحديث». {هشام کلبی حافظ حدیث بود، اما مورد اعتماد نبود، لذا او را ذکر نکردم}. «تذكرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۱ ج ۳۴۳، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

۲ – «أبوحنيفة الإمام الأعظم فقيه العراق». {امام ابوحنیفه رحمه الله، امام اعظم و فقیه عراق است}. «تذكرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۱ ج ۱۶۸، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

امام ذهبی رحمه‌الله پس از نقل این سخن امام شافعی رحمه‌الله می‌گویند: من (ذهبی) می‌گویم: علم به همرای آن سه تن، در اطراف هفت تن دیگر نیز می‌چرخد و آنان: اوزاعی، ثوری، معمر، ابوحنیفه، شعبه، حماد و حماد بن زید رحمهم‌الله هستند.[۱]

پیشوایان محدثین مطابق قول امام ابوحنیفه رحمه‌الله فتوا می‌دادند:

امام ذهبی رحمه‌الله روایت کرده‌اند که: وکیع بن جراح و یحیی بن سعید قطان رحمهماالله مطابق قول امام ابوحنیفه رحمه‌الله فتوا می‌داده‌اند.[۲]

امام ذهبی رحمه‌الله امام ابوحنیفه رحمه‌الله را از پیشوایان اُمت شمرده‌اند:

امام ذهبی رحمه‌الله، امام ابوحنیفه رحمه‌الله را در ردیف بزرگان و پیشوایان این اُمت، همچون: سعید بن مسیب، شعبی، نخعی، زهری، اوزاعی و اعمش رحمهم‌الله که از علمای زُبده و عُمده و از پیشوایان این اُمت بودند، شمار نموده‌اند.[۳]

---

۱ – «قَالَ الشَّافِعِيُّ: العِلْمُ يَدُوْرُ عَلَى ثَلاثَةٍ: مَالِكٍ، وَاللَّيْثِ، وَابْنِ عُيَيْنَةَ. قُلْتُ: بَلْ وَعَلَى سَبْعَةٍ مَعَهُم، وَهُمُ: الأَوْزَاعِيُّ، وَالثَّوْرِيُّ، وَمَعْمَرٌ، وَأَبُو حَنِيْفَةَ، وَشُعْبَةُ، وَالحَمَّادَانِ». {امام شافعی رحمه‌الله گفتند: علم بر سه نفر می‌چرخد... امام ذهبی رحمه‌الله در ادامه سخن امام شافعی رحمه‌الله افزودند: بلکه بر هفت نفر، که یکی از آنان امام ابوحنیفه رحمه‌الله است}. «سير أعلام النبلاء»، تأليف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۹۴ ج ۸، مؤسسة الرسالة، بيروت ۱۴۱۷.

۲ – «قال يحي [بن معين]: ما رأيت أفضل منه [وكيع بن الجراح] يقوم الليل ويسرد الصوم ويفتي بقول أبي حنيفة وكان يحي القطان يفتي بقول أبي حنيفة أيضا». «تذكرة الحفاظ»، تأليف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۳۰۷ ج ۱، دارالكتب العلمية، بيروت ۱۳۷۴، «سير اعلام النبلاء»، تأليف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۵۶۳ ج ۷، «تهذيب الكمال»، تأليف امام مزی رحمه‌الله صـ ۴۷۵ ج ۳۰، «تاريخ بغداد»، تأليف علامه خطيب بغدادی رحمه‌الله صـ ۵۰۱ ج ۱۳.

۳ – «سير أعلام النبلاء»، تأليف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۵۲۵ ج ۹، مؤسسة الرسالة، بيروت ۱۴۱۷.

بدین‌سان، روشن گردید که ذکر نمودن امام ذهبی رحمه‌الله، امام ابوحنیفه رحمه‌الله را در ردیف ائمه کرام که جایگاه بس عالی و بلند در فن حدیث داشتند بر این امر دلالت می‌کند که در نزد امام ذهبی رحمه‌الله امامت ابوحنیفه رحمه‌الله در فقه و حدیث یک امر مسلّم و غیرقابل انکار است.

امام ابوحنیفه رحمه‌الله از ماهرین فن جرح و تعدیل بودند:

امام ذهبی رحمه‌الله نگاشته‌اند: در حدود سال ۱۵۰ هجری قمری، هنگامی‌که بیشتر تابعین رحمهم‌الله از دنیا رفته بودند، گروهی از ناقدان رجال در باب توثیق و تضعیف راویان سخن گفتند؛ چنانکه امام ابوحنیفه رحمه‌الله بر جابر جعفی جرح نموده، فرموده‌اند: من دروغ‌گویی بزرگ‌تر از جابر جعفی ندیده‌ام.[۱]

جرح امام ابوحنیفه رحمه‌الله بر جابر جعفی را امام ترمذی و امام ابن عدی رحمهماالله مقدّم داشته و به آن استناد کرده‌اند.[۲]

امام ترمذی رحمه‌الله به سند خویش روایت کرده که امام ابوحنیفه رحمه‌الله فرموده‌اند: من از جابر جعفی دروغ‌گوی بزرگ‌تر و از عطاء بن رباح رحمه‌الله شخصیتی بهتر را ندیده‌ام.[۳]

---

۱ – «فلما كان عند انقراض عامة التابعين في حدود الخمسين تكلم طائفة من الجهابذة في التوثيق والتضعيف. فقال ابو حنيفة: ما رأيتُ أكذب من جابر الجعفي». «ذكر من يعتمد قوله فى الجرح و التعديل»، تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۱۷۵، دارالبشائر الاسلامية، بیروت ۱۴۱۷.

۲ – «قَال عَبَّاس، حَدَّثَنا عَبد الحميد بْن بشمين، عَن أَبي حنيفة قَال: مَا رأيتُ أحدا أكذب من جَابِر الجعفي». «الكامل فى ضعفاء الرجال»، تألیف امام ابن عدی رحمه‌الله صـ ۱۱۳ ج ۲، دارالفکر، بیروت ۱۴۰۹.

۳ – «حَدثنَا أَبُو يحيى الْحمانِي قَالَ: سَمِعت أَبَا حنيفَة يَقُول: مَا رَأَيْت أحدا أكذب من جَابر الْجعْفِيّ وَلَا أفضل من عَطاء بن أبي رَبَاح». {امام ابوحنیفه رحمه‌الله گفتند: دروغگوتر از جابر جعفی و بهتر از عطاء بن ابی رباح

امام ذهبی رحمه الله نقل کرده است که امام ابوحنیفه رحمه الله فرمودند: من ربیعه و ابو زناد رحمهماالله هر دو را دیدم و ابو زناد رحمه الله را فقیه‌تر یافتم.[۱]

امام ذهبی رحمه الله این تعدیل امام ابوحنیفه رحمه الله را نقل کرده و مقدّم داشته و این سخن به این امر دلالت می‌کند که امام ابوحنیفه رحمه الله در فن جرح و تعدیل هم از پیشوایان و ماهران فن به شمار می‌رفتند.

عدم روایت حدیث از ائمه، موجب ضعف آنان نیست:

با این حال، این حقیقت همچون آفتاب روشن است که در علم حدیث، اگر امامی از کدام راوی‌ای حدیث روایت نکند، آن راوی خودبه‌خود ضعیف شمرده نمی‌شود.

به‌طور نمونه:

امام محمد بن اسماعیل بخاری رحمه الله در کتاب عظیم‌الشأن شان «صحیح البخاری» از امام احمد بن حنبل رحمه الله تنها دو حدیث؛ و از آن دو هم یکی را به واسطه روایت نموده است. همچنین امام بخاری رحمه الله از امام شافعی رحمه الله در «صحیح البخاری» یک حدیث هم نقل نکرده است.

با این وجود، هرگز از این استدلال کرده نمی‌شود که امام احمد بن حنبل و امام شافعی رحمهماالله در روایت حدیث ضعیف باشند.

ندیدم}. «العلل الصغیر»، جَوَاز الحكم على الرِّجَال والأسانيد، تألیف امام ترمذی رحمه الله صـ ۷۳۹ ج ۱، «العلل الکبیر»، فَصْلٌ قَالَ أَبُو عِيسَى رحمه الله: سَأَلْتُ مُحَمَّدًا، تألیف امام ترمذی رحمه الله صـ ۳۸۸ ج ۱.

۱ – «قال أبوحنيفة: رأيت ربيعة وأبا الزناد وأبو الزناد أفقه الرجلين». {امام ابوحنیفه رحمه الله گفتند: ربیعه و ابو زناد رحمهماالله را دیدم و ابو زناد رحمه الله را فقیه‌تر یافتم}. «تذکرة الحفاظ»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۱۳۵ ج ۱، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۳۷۴.

خلاصه آنکه ترک روایت از یک روای، محتمل چند وجوهات بوده می‌تواند.

به طور مثال:

در زمان امام بخاری رحمه الله فتنه‌ی خلق قرآن به اوج خود رسیده بود و در میان امام بخاری و استادشان امام ذُهلی رحمهماالله در این موضوع بعضی اختلافات لفظی به میان آمده بود و بر مبنای همین اختلافات لفظی، برخی افراد حسود و فتنه‌جو در باره‌ی امام بخاری رحمه الله این افواهات را شایع نمودند که امام بخاری رحمه الله قائل به مخلوق بودن، قرآن است.

هنگامی‌که امام ذُهلی رحمه الله این شایعات را شنیدند، نه تنها ارتباط خود را با شاگردشان قطع کردند، بلکه طالبان علم حدیث را از حضور به حلقه‌ی درسی امام بخاری رحمه الله منع نمودند. روی همین ملحوظ به جز امام مسلم رحمه الله همه‌ی طلاب، از حضور به حلقه‌ی درسی امام بخاری رحمه الله خودداری کردند.

امام بخاری رحمه الله از این واقعه آن‌قدر رنجیده‌خاطر و دل آزرده شدند که شهر نیشاپور را ترک کرده و به وطن مألوف خویش، بخارای شریف برگشتند.[1]

حالا به دقت غور نمایید که تمامی مردم نیشاپور از حضور به حلقه‌ی درسی امام بخاری رحمه الله خودداری کردند و در آن وقت شاگرد رشید امام بخاری رحمه الله، امام مسلم رحمه الله همراهی‌شان را ترک نکرده و با وجود چنین قُربت و نزدیکی، در «صحیح مسلم» از امام بخاری رحمه الله یک حدیث هم روایت نکرده و همچنان به سبب احتیاط از استاد دیگرشان، امام ذُهلی رحمه الله هم هیچ حدیث روایت ننموده‌اند.

حالا به خاطر عدم روایت امام مسلم رحمه الله از استادانشان امام ذُهلی رحمه الله و امام بخاری رحمه الله، آنان را تضعیف کرده نمی‌شود. فافهم

---

۱ - «سیر أعلام النبلاء»، تألیف امام ذهبی رحمه الله صـ ۴۵۸ ج ۱۲، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۷.

درست همین‌طور، در زمان امام ابوحنیفه رحمه‌الله هم در باره‌ی تعریف ایمان میان علماء اختلافی به وجود آمده بود. در نزد امام ابوحنیفه رحمه‌الله ایمان تصدیق به قلب و اقرار به لسان بوده و اعمال را جزء ایمان نمی‌شمردند؛ درحالی‌که برخی دیگر از علما، بر این عقیده بودند که اعمال حصه‌ی از ایمان است. بر بنیاد این اختلاف، برخی از مخالفان و حسودان امام ابوحنیفه رحمه‌الله، این سخن را بین همه‌ی مردم شایع کردند که امام ابوحنیفه رحمه‌الله اعمال را از اسلام خارج می‌دانند. روی این ملحوظ، برخی حضرات محدثین رحمهم‌الله بر مبنای احتیاط، از امام ابوحنیفه رحمه‌الله روایت حدیث نکرده‌اند.

حالا بر بنیاد این اختلاف، دغدغه و استدلال کردن که امام ابوحنیفه رحمه‌الله یک راوی ضعیف است، محض تعصّب و حسادت چیزی دیگر بوده نمی‌تواند.

گواهی ابن تیمیه رحمه‌الله به مقام شامخ علمی و بینش دینی امام ابوحنیفه رحمه‌الله:

شیخ‌الاسلام ابن تیمیه رحمه‌الله به این حقیقت اشاره کرده، می‌فرماید: هر چند برخی مردم در پاره‌ای از مسائل با امام ابوحنیفه مخالفت کرده و بر آن حضرت انکار نموده‌اند؛ امّا در مقام شامخ علمی، دانش و بینش دینی امام ابوحنیفه رحمه‌الله هیچ شک و شبهه و اختلافی وجود ندارد. مردم پس از آن حضرت رحمه‌الله، سخنان نادرست و دروغ را نقل کرده و به ایشان رحمه‌الله منسوب نموده‌اند که همگی آن‌ها بی‌اساس، سراسر غلط و عاری از حقیقت و واقعیت است. مقصد آنان از نقل و منسوب این سخنان، مجروح کردن و خدشه‌دار ساختن شخصیت امام ابوحنیفه رحمه‌الله بود.[۱] امّا بی‌خبر از آنکه:

---

۱ – «كَمَا أَنَّ أَبَا حَنِيفَةَ وَإِنْ كَانَ النَّاسُ خَالَفُوهُ فِي أَشْيَاءَ وَأَنْكَرُوهَا عَلَيْهِ فَلَا يَسْتَرِيبُ أَحَدٌ فِي فِقْهِهِ وَفَهْمِهِ وَعِلْمِهِ، وَقَدْ نَقَلُوا عَنْهُ أَشْيَاءَ يَقْصِدُونَ بِهَا الشَّنَاعَةَ عَلَيْهِ، وَهِيَ كَذِبٌ عَلَيْهِ قَطْعًا». {شيخ الإسلام علامه ابن تيميه رحمه‌الله گفتند: با وجود اختلاف مردم با امام ابوحنيفه رحمه‌الله، هيچ‌كس در فقه، فهم و علم او ترديد ندارد و آنچه به او نسبت داده‌اند، دروغ قطعی است}. «منهاج السنة النبوية»، تأليف امام ابن تيمية رحمه‌الله صـ ۶۱۹ ج ۲، مؤسسة القرطبة، قاهرة، مصر ۱۴۰۶.

چـــــراغی را که ایزد بر فروزد
هر آنکه پُف کند ریشش بسوزد

اولین تدوین کننده مسائل فقهی امام ابوحنیفه رحمه الله بودند:

امام محمد بن حسن شیبانی متوفای سال ۱۸۹ هجری قمری رحمه الله که از شاگردان ممتاز و عالی‌مقام امام ابوحنیفه رحمه الله هستند، روایات امام ابوحنیفه رحمه الله را در کتاب «الآثار» مرتب کرده و بعد از زمانه صحابه کرام رضی الله عنهم، این اولین کتابی است که مرتب گردیده است.

وضع شرایط سخت‌گیرانه در روایت حدیث توسط امام ابوحنیفه رحمه الله:

امام ابوحنیفه رحمه الله در اخذ روایت حدیث، شرایط بسیار سختی را وضع نموده بودند؛ چنانکه امام طحاوی رحمه الله متوفای سال ۳۲۱ هجری قمری به سند متصل‌شان نقل کرده که امام ابوحنیفه رحمه الله می‌فرمودند: لازم و ضروری نیست بر هیچ شخص که روایت حدیث نماید تا زمانی که آن حدیث را از وقت شنیدن تا هنگام روایت، در حفظ نداشته باشد.[۱]

---

۱ - «قال الطحاوي: حدثنا سليمان بن شعيب، حدثنا أبي قال: أملى علينا أبو يوسف، قال قال أبو حنيفة: لا ينبغي للرجل أن يحدث من الحديث إلا ما يحفظه من يوم سمعه إلى يوم يحدث به». {امام ابوحنیفه رحمه الله گفتند: کسی نباید حدیثی نقل کند؛ مگر آنکه آن را از زمان شنیدن تا زمان نقل، حفظ داشته باشد}. «شرح مسند أبی حنیفة»، تألیف امام مُلا علی قاری هروی رحمه الله صـ ۷، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۰۵.

امام ذهبی رحمه‌الله می‌فرمایند: امام ابوحنیفه رحمه‌الله ثقه (مورد اعتماد) هستند؛ و ایشان تنها همان احادیثی را روایت می‌کردند که آن‌ها را حفظ داشتند و احادیثی را که حفظ نداشتند، روایت نمی‌کردند.[۱]

امام نووی رحمه‌الله نگاشته‌اند: امام مالک و امام ابوحنیفه و ابوبکر صیدلانی شافعی رحمهم‌الله بر این نظریه بودند که هیچ حدیثی قابل حجت نیست تا زمانی که راوی آن را از حفظ خویش روایت نکند.[۲] و این نظریه‌ای بسیار سخت و دشوار است.

امام سیوطی رحمه‌الله پس از نقل این قول امام نووی رحمه‌الله در حاشیه تحریر نموده‌اند: این نظریه بسیار سخت و دشوار است و علماء برخلاف این نظریه عمل کرده‌اند؛ زیرا مطابق این نظریه، یافتن راوی بسیار مشکل است و به جز چند راوی صحیحین، مطابق این شرط کسی دیگری را سراغ کرده نمی‌شود.[۳]

از مطالعه موضوع فوق، یکی از اسباب قلتِ روایت امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله نیز معلوم گردید.

---

۱ - «قَالَ مُحَمَّدُ بنُ سَعْدٍ العَوْفِيُّ: سَمِعْتُ يَحْيَى بنَ مَعِيْنٍ يَقُوْلُ:كَانَ أَبُو حَنِيْفَةَ ثِقَةً، لاَ يُحَدِّثُ بِالحَدِيْثِ إِلاَّ بِمَا يَحْفَظُه، وَلاَ يُحَدِّثُ بِمَا لاَ يَحْفَظُ». «سير أعلام النبلاء»، تألیف امام ذهبی رحمه‌الله صـ ۳۹۵ ج ۶، مؤسسة الرسالة، بیروت ۱۴۱۷، «تهذيب الكمال»، تألیف امام مزی رحمه‌الله صـ ۴۲۴ ج ۲۹، «تاريخ بغداد»، صـ ۴۲۲ ج ۱۳.

۲ - «فَمِنَ الْمُشَدِّدِينَ مَنْ قَالَ: لَا حُجَّةَ إِلَّا فِيمَا رَوَاهُ مِنْ حِفْظِهِ وَتَذَكُّرِهِ، رُوِيَ عَنْ مَالِكٍ، وَأَبِي حَنِيفَةَ، وَأَبِي بَكْرٍ الصَّيْدَلَانِيِّ الشَّافِعِيِّ». «التقريب والتيسير»، تألیف امام نووی رحمه‌الله صـ ۲۳ ج ۱.

۳ - «وَهَذَا مَذْهَبٌ شَدِيدٌ، وَقَدِ اسْتَقَرَّ الْعَمَلُ عَلَى خِلَافِهِ، فَلَعَلَّ الرُّوَاةَ فِي الصَّحِيحَيْنِ مِمَّنْ يُوصَفُ بِالْحِفْظِ لَا يَبْلُغُونَ النِّصْفَ». «تدريب الراوی فی شرح تقريب النووی»، تألیف امام جلال الدین سیوطی رحمه‌الله صـ ۵۵ ج ۲، دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۱۷.

مرتبه و جایگاه سند حدیث:

در علم حدیث، هر چه تعداد راویان میان راوی و جناب نبی کریم ﷺ کمتر باشد، به همان اندازه مرتبه و جایگاه سند حدیث بلند می‌گردد. در کتاب «صحیح البخاری» امام محمد بن اسماعیل بخاری رحمه‌الله ۲۲ حدیث را به گونه‌ای بیان کرده‌اند که در میان امام بخاری رحمه‌الله و نبی کریم ﷺ راویان حدیث فقط سه نفر هستند که در اصطلاح محدثین به آن‌ها «ثلاثیات» گفته می‌شود؛ و در بخاری شریف، از همه بالاتر در سند احادیث، همین ۲۲ حدیث است.

روایات مایه ناز امام بخاری رحمه‌الله به روایت شاگردان امام ابوحنیفه رحمه‌الله است:

نکته قابل عطف توجه این است که از جمله ۲۲ احادیث ثلاثی، ۲۱ احادیث را امام بخاری رحمه‌الله از شاگردان امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله روایت نموده‌اند.

امام بخاری رحمه‌الله ۱۱ احادیث را از مکی بن ابراهیم بلخی رحمه‌الله که استاد امام بخاری رحمه‌الله و شاگرد امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله روایت کرده است.

از اینجا واضح گردید که امام بخاری رحمه‌الله شاگرد، شاگرد امام ابوحنیفه رحمه‌الله بودند و این‌چنین به چندین واسطه، امام بخاری رحمه‌الله شاگرد، شاگرد امام ابوحنیفه رحمه‌الله هستند و از مکتب ایشان بهره‌مند گردیده است.

امام بخاری رحمه‌الله به واسطه افتخار شاگردی امام ابوحنیفه رحمه‌الله را دارد:

امام بخاری روایت می‌کنند از پدرشان امام اسماعیل و ایشان روایت کرده‌اند از امام عبدالله بن مبارک و ایشان روایت نموده‌اند از امام ابوحنیفه رحمهم‌الله.

تفصیل این سند قرار ذیل است:

امام ابن حجر عسقلانی رحمه‌الله تحریر نموده‌اند: اسماعیل بن ابراهیم بن المغیرة الجُعفی البخاری رحمه‌الله پدر محترم صاحب «صحیح البخاری». ایشان از حماد بن زید و عبدالله بن مبارک رحمهماالله روایت کرده‌اند.[۱]

امام بخاری رحمه‌الله نقل کرده‌اند: عبدالله بن مبارک رحمه‌الله از امام ابوحنیفه رحمه‌الله روایت نموده‌اند.[۲]

از تحریر فوق، این سخن مانند آفتاب نیمه‌ی روز روشن گردید که امام بخاری رحمه‌الله از پدرشان روایت کرده و پدر محترم شان از عبدالله بن مبارک رحمه‌الله و ایشان از امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله روایت نموده‌اند.

امام ابن حجر عسقلانی رحمه‌الله نگاشته‌اند: از بهترین طبقات که امام بخاری رحمه‌الله از آن‌ها روایت نموده، طبقه‌ی تبع تابعین است؛ مانند محمد بن عبدالله انصاری، مکی بن ابراهیم، ابو عاصم نبیل، عبیدالله بن موسی، ابو نُعیم فضیل بن عیاض، خلاد بن یحیی سلمی، علی بن عیاش و عصام بن خالد و دیگر هم‌پایه آنان رحمهم‌الله شامل هستند که شیوخ همه‌ی آنان از طبقه ثانیه تابعین بودند.[۳]

---

۱ – «إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة الجعفي البخاري والد الإمام صاحب الصحيح. روى عن حماد بن زيد وابن المبارك». «تهذيب التهذيب»، تألیف امام عسقلانی رحمه‌الله صـ ۱۴۰ ج ۱، مؤسسة الرسالة، بيروت ۱۴۱۶.

۲ – «نُعمان بْن ثابت، أَبو حَنِيفَة، الكُوفِيُّ. مَولًى لِبَنِي تَيم اللهِ بْن ثَعلَبَة. رَوَى عَنه عَبّاد بْن العَوّام، وابْن المُبارك، وهُشَيم، ووَكِيع، ومُسلم بن خالد، وأَبو مُعاوية، والمُقرِئُ». «التاريخ الكبير»، تألیف امام بخاری رحمه‌الله صـ ۸۱ ج ۲، حديث ۲۲۵۳، دارالكتب العلمية، بيروت ۱۴۰۷.

۳ – «قلت وينحصرون فِي خمس طَبَقَات الطَّبَقَة الأولى من حَدثهُ عَن التَّابِعين مثل مُحَمَّد بن عبد الله الْأَنْصَارِيّ حَدثهُ عَن حميد وَمثل مكي بن إِبْرَاهِيم حَدثهُ عَن يزِيد بن أبي عبيد وَمثل أبي عَاصِم النَّبِيل حَدثهُ عَن يزِيد بن أبي عبيد أَيْضا وَمثل عبيد الله بن مُوسَى حَدثهُ عَن إِسْمَاعِيل بن أبي خَالِد وَمثل أبي نعيم حَدثهُ عَن الْأَعْمَش وَمثل خَلاد بن يحيى

نکته قابل غور و تدبر این است که بهترین و بزرگ‌ترین طبقات شیوخ که امام بخاری رحمه الله از آن‌ها روایت نموده و بعضی از آن‌ها در فوق تذکر یافت، همه شاگردان امام ابوحنیفه رحمه الله هستند؛[1] و از اینجا جایگاه والای امام ابوحنیفه رحمه الله در فن حدیث ثابت می‌گردد.

امام ابوحنیفه رحمه الله از صحابه رضوان الله تعالی اجمعین روایت حدیث نموده‌اند:

امام ابوحنیفه رحمه الله ۱۶ حدیث را چنان روایت نموده‌اند که در میان امام ابوحنیفه رحمه الله و نبی کریم صلی الله علیه وسلم فقط یک راوی وجود دارد و آن راوی، کسی دیگری نیست به جز از اصحاب نازنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم.

روایات امام ابوحنیفه رحمه الله احادی، ثنایی و ثلاثی است:

احادیثی که در بین راوی و نبی کریم صلی الله علیه وسلم یک راوی باشد به آن احادیث «وحدانیات» گفته می‌شود و در میان ائمه مجتهدین چهارگانه اهل سنت و الجماعت رحمهم‌الله تنها و تنها این شرف و بزرگی نصیب امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله گردیده که ایشان رحمه الله بلا واسطه از اصحاب نبی کریم صلی الله علیه وسلم روایت نموده است.

اگر در میان راوی و رسول مقبول صلی الله علیه وسلم دو واسطه باشد، پس این سند را «ثنائیات» می‌گویند و از امام ابوحنیفه رحمه الله ۵۰۶ احادیث ثنایی روایت گردیده و امام دارالهجرة مالک بن انس رحمه الله هم چند احادیث ثنایی دارند.

حَدثهُ عَن عِيسَى بن طهْمَان وَمثل على بن عَيَّاش وعصام بن خَالِد حَدَّثَاهُ عَن حريز بن عُثْمَان وشيوخ هَؤُلَاءِ كلهم من التَّابِعين الطَّبَقَة الثَّانِيَة من كَانَ فِي عصر هَؤُلَاءِ». «فتح الباری شرح صحیح البخاری»، تألیف امام عسقلانی رحمه الله صـ۵۰۳ ج ۱، سلطان بن عبدالعزیز مطبعة، ریاض ۱۴۲۱.

۱ - «مناقب الامام أبی حنیفة وصاحبیه»، تألیف ذهبی صـ ۲۰، جنة احیاء المعارف النعمانیة، الهند ۱۳۶۶.

اگر میان نبی کریم ﷺ و راوی حدیث سه واسطه باشد به این سند «ثلاثیات» گفته می‌شود که احادیث ثلاثی امام ابوحنیفه رحمه الله به ١١٢۶ حدیث می‌رسد.

احادیث احادیات، ثنائیات و ثلاثیات امام ابوحنیفه رحمه الله را در کتاب‌های «الآثار» امام ابو یوسف متوفای سال ١٨٢ هجری قمری رحمه الله، کتاب «الآثار» امام محمد بن حسن شیبانی متوفای سال ١٨٩ هجری قمری رحمه الله، کتاب «مناقب الإمام الأعظم» و «جامع المسانید» امام خوارزمی متوفای سال ۵۶٨ هجری قمری رحمه الله و کتاب «مناقب الإمام الأعظم» امام کردری متوفای سال ٨٢٧ هجری قمری رحمه الله دیده می‌توانید.

امام ابوحنیفه رحمه الله از بندگان برگزیده الله جل مجده بودند:

امام ابوحنیفه رحمه الله از بندگان برگزیده الله جل مجده و از اولیای بزرگ بودند و تمام عمر عزیزشان را به خاطر آموختن، عمل کردن و تعلیم دادن صرف نمودند.

حضرت یحیی بن معین رحمه الله می‌فرمایند: من از یحیی بن سعید قطان رحمه الله که در مجالس امام ابوحنیفه رحمه الله نشسته و از ایشان سماعت حدیث کرده بود، شنیدم که می‌گفتند: به الله جل مجده قسم! من هرگاه به طرف امام ابوحنیفه رحمه الله نظر می‌کردم، خشیت الهی (خداترسی) را به وضوح در چهره ایشان مشاهده می‌نمودم.[1]

---

١ – «أخبرنا محمد بن أحمد بن رزق حدثنا أحمد بن علي بن عمر بن حبيش الرازي قال سمعت محمد بن أحمد بن عصام يقول سمعت محمد بن سعد العوفي يقول سمعت يحيى بن معين يقول سمعت يحي القطان يقول جالسنا والله أبا حنيفة وسمعنا منه وكنت والله إذا نظرت إليه عرفت في وجهه أنه يتقي الله عز و جل». {امام یحیی قطان رحمه الله گفتند: با امام ابوحنیفه رحمه الله نشستیم و از او حدیث شنیدیم و در چهره‌اش تقوای الهی را می‌دیدیم}. «تاریخ بغداد»، تألیف امام خطیب بغدادی رحمه الله صـ ۴٨٢ ج ١۵، دارالغرب الاسلامی، بیروت ١۴١٧.

 امام ابوحنیفه ﷫ و علم حدیث

امام علی بن مدینی ﷫ روایت می‌کنند که من از امام سفیان بن عیینه ﷫ شنیدم که می‌فرمودند: امام ابوحنیفه ﷫ شخصیتی معزز بود و از آغاز زندگی، نماز بسیار می‌خواند.[۱]

الله جل مجده در دو جهان درجات و جایگاه امام اعظم ابوحنیفه ﷫ را بلند و عالی گرداند و ما را به عمل کردن تعالیم ایشان توفیق عطا فرماید، آمین بجاهِ نبی الکریم صلی الله علیه وسلم.

تمت بحمدالله

ختم ترجمه شام یوم پنجشنبه مورخ ۲۱ برج میزان ۱۴۰۱

خادم طلبه‌ی دارالعلوم دیوبند
ابوجعفر بسم‌الله «یادگار» بلخی
دهدادی – اُم‌البلاد بلخ – افغانستان

---

۱ – «أخبرنا أبو نعيم الحافظ أخبرنا عبد الله بن جعفر بن فارس فيما أذن لي أن أرويه عنه قال حدثنا هارون بن سليمان حدثنا علي بن المديني قال سمعت سفيان بن عيينة يقول: كان أبو حنيفة له مروءة وله صلاة في أول زمانه».
{امام سفیان بن عیینه ﷫ گفتند: امام ابوحنیفه ﷫ مردی با مروت بود و در آغاز زندگی بسیار نماز می‌خواند}. «تاریخ بغداد»، تألیف خطیب بغدادی ﷫ صـ۴۸۳ ج ۱۵، دارالغرب الاسلامی، بیروت ۱۴۱۷.